

فهرست مطالب :

۱	چکیده
۱	کلید واژگان
۳	مقدمه
۳	معنای لغوی و اصطلاحی شفاعت
۴	دلیل عقلی بر اثبات و امکان شفاعت
۴	چگونگی جلوه شفاعت در موقف حساب
۵	اقسام شفاعت
۷	سیمای شفاعت در قرآن
۱۰	شافعان
۱۳	مشمولان شفاعت
۱۳	محرومان شفاعت
۱۴	سیمای شفاعت در روایات
۱۶	نمونه هایی از آثار و فواید شفاعت
۱۷	یک نمونه از شبهات و پاسخ آن
۱۹	نتیجه
۲۰	فهرست منابع

چکیده:

در این تحقیق در مورد شفاعت که یکی از اعتقادات شیعه است که در دیگر فرقه های اسلامی به این شکل مطرح نیست بحث شده است .
 شفاعت در واقع درخواست از پیامبر و معصومان علیهم السلام برای وساطت نزد خداوند است که ، به واسطه آنان ، رحمتی را بر شفاعت جو نازل کند و یا بلایی را از او بازگیرد.

کلید واژگان:

شفع در مقابل وتر (تک) به کار می رود . این که به چیزی مثل خودش به آن اضافه می شود ، در این صورت به آن زوج ، جفت یا شفع می گویند.^۱
شفعه : خواهش گری - چیزی با چیزی که داری اضافه کنی ، نزد فقهاء تملک یکی از شریکین است سهم دیگری را با دادن قیمت آن به شریک دیگر (یعنی شریک آخر حق تصرف دادن غیر از شریک اولی را در این ملک ندارد مگر اینکه خود او اعراض کند).

^۱ لویس ، معلوف ، المنجد فی اللغة ، چاپ دوم ، چاپخانه فرزانه ، انتشارات اسلامی ، ۱۳۸۰ ، ص

شفیع : در اصل از ماده «شفع» به معنی «ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر» است و مفهوم این سخن آن است که شفاعت شونده قسمتی از راه را با پای خود می پیماید و در فراز و نشیبهای سخت ، شخص شفاعت کننده به او ضمیمه می شود و او را یاری می کند تا بقیه راه را پیماید.^۱

شفاعت : میانجی گیری ، پا درمیانی ، پشتیبانی.^۲

شفاعت از شفیع ، ضمیمه نمودن و شفعه در خانه ، شرکت در آنست زیرا شریک ، مالش را با دیگری ضمیمه میکند و در مورد دست گیری که شفاعت میگویند ، به این مناسبت است که گوئی شخص دست گیر ، آبرو و اعتبار خودش را با حیثیت مجرم و گناهکار ضمیمه نموده است.^۳

قرآن : کلام الله مجید و آخرین کتاب آسمانی . کلمه قرآن در اصل مصدر و به

معنی خواندن ، اسم علم و غیر مشتق است و مخصوص به کلام خداست .^۴

روایت : نقل سخن و خبر از کسی ، بازگفتن سخن را همچنین است شعر.^۵

^۱ جعفر شریعتمداری ، شرح و تفسیر قرآن براساس تفسیر نمونه ، ج ۲ ، چاپ اول ، بی جا ، بی نا ، ۱۳۷۴ ، ص ۵۰۴ .

^۲ احمد سیاح ، فرهنگ بزرگ جامع نوین عربی - فارسی ، ج ۱ ، چاپ ۱۵ ، ۱۳۷۱ ، ص ۸۰۹ .

^۳ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی ، ترجمه تفسیر مجمع البیان ، ترجمه ، نوری ، حسین و دکتر مفتاح ، چاپ افست حیدری بی تا ، ج ۱ ، ص ۱۶۲ .

^۴ سید مصطفی ، حسینی دشتی ، معارف و معاریف ، چاپ دوم ، زمستان ۱۳۷۶ ج ۸ ، ص ۲۷۵

^۵ سید مصطفی ، حسینی دشتی ، معارف و معاریف ، ج ۵ ، ص ۷۰۸

مقدمه

شفاعت با آن که ریشه در عقاید دینی دارد ولی در اقوام و ملت هایی که حتی به هیچ یک از ادیان آسمانی ایمان نداشته اند نیز رسوخ کرده است . این تفکر در میان آنان بیشتر جنبه اخلاقی داشته و برگرفته از اعتقاد به جهان دیگر و تأثیر آن بر روند زندگی این جهانی است . از نظر آنان یکی از کارکردهای شفاعت ، ایجاد انگیزه در راستای فعالیت هایی است که می تواند از تأثیرات و پیامدهای اعمال و رفتار نادرست باز دارد .

موضوع شفاعت در میان مجموعه مباحثی که در حوزه الهیات به ویژه معاد شناسی مطرح بوده است همیشه توجهات زیادی را به خود مشغول ساخته است . البته در اینباره نیز در مورد اصل شفاعت و تحقق آن همه اتفاق نظر دارند .

معنای لغوی و اصطلاحی شفاعت :

کلمه «شفاعت» در اصل از ریشه «شفع» (بر وزن نفع) به معنی «جفت» است بنابراین ضمیمه شدن هر چیز به چیز دیگر شفاعت نامیده می شود و نقطه مقابل آن «وتر» به معنی تک و تنهاست.^۱

^۱ جعفر شریعتمداری ، شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه ، ج ۲ ، ۱۳۷۴ ، ص ۵۰۵

معنای لغوی شفاعت عبارت است از ضمیمه شدن دو چیز برای آن که یکی مکمل دیگری شود تا اثر و نتیجه مطلوب بدهد؛ خواه آن دو در درجه واحد باشند و یا یکی قوی تر و در مرتبه عالی تر باشد ولی غالباً در موردی استعمال می شود که فرد قوی تر به فرد ضعیف تر و برتر به مادون ضمیمه شده و منشأ اثر گردد.

معنای اصطلاحی شفاعت و آنچه در عرف همه مردم «شفاعت» نامیده می شود آن است که شخصی که محکوم به جرم و تخلف از قانون است و باید مجازات شود، فردی را واسطه قرار می دهد تا درباره او شفاعت و وساطت کند و او را از عقوبت و مجازات نجات بخشد و یا برای رسیدن به منافع و امتیازهای مادی، متوسل به فردی شود و با وساطت او به مقصود خویش نایل گردد.^۱

دلیل عقلی بر اثبات و امکان شفاعت :

ثبوت شفاعت عقلاً بر اهل بصیرت و صاحبان دل بیدار پوشیده نیست که هیچ گونه جای شک و شبهه و تردید نمی باشد. که موضوع شفاعت و وساطت افراد از یکدیگر امری ممکن و جائز عقلی می باشد، زیرا ممتنعات عقلیه از قبیل اجتماع نقیضین و اجماع ضدین و مانند آن در جای خود معلوم است هیچ یک با شفاعت تطبیق نمی کند بلکه عقول همه ی عقلاء عالم به امکان شفاعت حکم می نمایند.^۲

چگونگی جلوه شفاعت در موقف حساب

در عالم حساب به دلیل علل و اسباب مختلف، تفاوتها وجود دارد. مانند تفاوت عالم با جاهل، خوش خلق با بد خلق، خیر خواه با غیر خواه و غیره. یکی از علل که موجب می شود تا حساب سخت تبدیل به آسان و مذاقه کمتر گردد، شفاعت است. شفاعت یک مسئله و واقعیت

^۱ سید حسن طاهری خرم آبادی، شفاعت، مؤسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳.

^۲ علی اکبر ناصری، امامت و شفاعت، چاپ اول، بی جا، بی نا، شهریور ۵۱، ص ۴۱۰.

تکوینی است نه آن که صرفاً به این معنا باشد که مثلاً حضرت علی در مورد بنده گناهکاری به خداوند بفرماید: ببخش به من و خداوند متعال هم ببخشاید. شفاعت مانند بخشش ها در زندگی اعتباری ما نیست بلکه حقیقی تکوینی یعنی تأثیری است از شفاعت کننده بر شفاعت شونده، جذبی است بر شفاعت شده براساس اتحاد و ارتباط تکوینی میان شفیع و مشفوع له که موجب می شود کشش به سمت و جهتی که شفاعت گر در آن جاست پدیدار شود.^۱

اقسام شفاعت:

شفاعت دارای اقسامی است که به شرح زیر معرفی می گردد:

شفاعت تکوینی:

که معنایی عام داشته و شامل تمام موجودات می گردد. یعنی، همه مخلوقات واسطه رحمت خدا برای انسان ها هستند، زمین، آسمان، کوه، دریا، باد، گل و گیاه همه واسطه فیض و کمک کننده بشر برای رسیدن به مقصدش به حساب می آیند. در دیدگاهی کلی تر، می توان گفت، شفاعت تکوینی، وساطت علل و اسباب میان خداوند و مسببات در تدبیر امور، تنظیم وجود و بقای مسببات است.

شفاعت تشریعی:

هر واسطه ای که آدمی را به صراط مستقیم و شریعت حقی - که خداوند متعال برای هدایت آدمی تشریع کرده است رهنمون گردد و در این رهیابی مددکارش باشد، در این شفاعت جای خواهد گرفت.^۲

هدایت تشریعی به یک نظر دو قسم است:

الف: شفاعت رهبری ب: شفاعت مغفرت.

^۱ محمد، شجاعی، مواقف حشر، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۸۰، ص ۸

^۲ محمد، شجاعی، تجسم عمل و شفاعت، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران ۱۳۸۰

شفاعت رهبری :

یکی از مباحث مهم معاد مسأله تجسم و تمثیل اعمال است. یعنی ، در جهان آخرت ، حقیقت اعمال ، افکار ، اوصاف و اخلاق انسان در دنیا ، به صورت حقیقتی عینی در نظام حشر ظاهر و عیان می شود. با استفاده از آیات و روایات می توان اذعان کرد که «روابط» نیز به نوبه خود در عالم قیامت مجسم می گردد. یعنی روابط معنوی که در این جهان میان مردم برقرار است در آن جهان با صورت ملکوتی خود برای آدمی مجسم می شود. بنابراین ، وقتی انسانی سبب هدایت انسانی دیگر می شود رابطه رهبری و پیروی در میان آنان با صورتی بالاتر و کامل تر و متناسب با احکام و سنن عالم حشر در رستخیز جلوه کرده و هدایت کننده به عنوان پیشوا و هدایت یافته به صورت پیرو ظاهر می شود. از این رو ؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام به سوی بهشت و بهشت ها و لقای حق با اسمای رحمت ، شفاعت رهبری می کنند.^۱

شفاعت مغفرت :

این نوع شفاعت به معنای وساطت در مغفرت است و از آنجا که غفران مفهوم اعمی از «عفو» دارد ، این قسم از شفاعت هم به معنی وساطت در بخشش گناهان ، آلودگی ها و ناپاکی هاست و هم به معنی وساطت در از میان بردن دلبستگی ها و وابستگی ها. به بیان دیگر شفاعت مغفرت، هم گناهان را محو می سازد هم فیوضات الهی را مددکار انسان در طی مدارج عالی می کند.^۲

شفاعت فقهی و کلامی :

شفاعت از منظر دیگر بر دو نوع است : شفاعت فقهی و کلامی .

^۱ مرتضی مطهری ، عدل الهی ، چ هشتم ، تهران ، صدرا ، ۱۳۷۴ ، ص ۲۷۰

^۲ همان ، ص ۲۷۵ .

شفاعت فقهی آن است که کسی در دنیا، رابط و واسط بین دو نفر قرار گیرد تا کاری برای مشفوع له انجام دهد؛ خواه آن کار دفع ضرر باشد یا جلب منفعت. چنین شفاعتی که محور آن فعل اختیاری مکلف است، یا حسنه است یا سیئه.

قسم دیگر از شفاعت، شفاعت کلامی است که بخش مهم آن در آخرت مطرح است و بحث کنونی عهده دار آن است و جامع آن این است: کاری که موضوع باید و نباید اعتباری قرار نمی گیرد می تواند تحت عنوان کلامی شفاعت طرح شود؛ مانند فعل خداوند و فعل ملائکه الهی چه در دنیا و چه در آخرت و مانند فعل همه انسان ها در آخرت که ظرف اعتبار و باید و نباید نیست. آیات فراوان قرآن کریم و احادیث مستفیض اهل بیت عصمت علیهم السلام ناظر به این قسم از شفاعت است.^۱

سیمای شفاعت در قرآن :

ماده شفاعت در قرآن با تمام مشتقات خود «سی بار» در سوره های مختلف و گوناگون به طور نفی و اثبات وارد شده است، که خود این مطلب حاکی از اهمیت این موضوع می باشد آیات شفاعت را می توان به ۴ دسته تقسیم کرد، ۱- یک دسته از آیات شفاعت را نفی می کنند. ۲- آیاتی که فقط بر شفاعت خداوند تصریح دارند. ۳- آیاتی که از شفاعت دیگران با اذن خداوند یاد می کنند. ۴- آیاتی که شرایط شفاعت شوندگان را بیان می کنند.

برخی از آیاتی که شفاعت را نفی می کنند عبارتند از :

1- {فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ} ^۲

ترجمه : شفاعت هیچ یک از شفاعت کنندگان به حال آنها سودی ندارد.

2- {لَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ} ^۳

^۱ عبدالله، جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۴، قم مرکز نشر اسراء، چاپخانه اسوه، چاپ اول،

۱۳۷۸ ش، ص ۲۱۴.

^۲ سوره مدثر، آیه ۴۸.

^۳ سوره بقره، آیه ۴۸.

ترجمه : روزی که شفاعت پذیرفته نمی شود.

3- {يَوْمٌ لَا يَبْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ} ^۱

ترجمه : روزی که نه کسی تواند برای آسایش خود چیزی بخرد و نه دوستی و

شفاعتی بکار آید.

4- {مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ} ^۲

ترجمه : برای ستمکاران نه رفیق مهربانی است و نه شفیع اطاعت شونده ای.

یعنی : نه کسی در حق آنان دل می سوزاند و نه کسی شفاعت کسی در حق آنان

پذیرفته می شود. ^۳

آنچه از ظاهر این گروه از آیات بر می آید این است که ، شفاعت را به کلی نفی می کند

، ولی در متن آن و به طور ضمنی ، به اثبات شفاعت به صورت سربسته دلالت دارد.

آیات نافیه شفاعت در بیان این است که فردای قیامت اختیارات از همه افراد سلب می

شود ، امر ، امر خدا و فرمان ، فرمان اوست و اگر خدا بخواهد کسی را بخاطر خدمت به پیغمبر

اکرم و ائمه یا ذریه آنها یا به عالم و مؤمنی و یا به مقدسات دینی ، کسی را به بهشت ببرد ،

احدی نمی تواند اعتراض کند و معنی شفاعت هم همین است به علاوه همه آیات نافیه شفاعت

مربوط به کفار و اهل ضلالت است اما نسبت به اهل ایمان دلیلی بر نفی آن نداریم و صاحب

اطیب البیان نیز این نظریه را پذیرفته است. ^۴

برخی از آیاتی که فقط بر شفاعت خداوند تصریح دارند عبارتند از :

^۱ همان ، آیه ۲۵۴ .

^۲ سوره غافر ، آیه ۱۸ .

^۳ علی ؛ ربانی گلیپایگانی ، عقاید استدلالی ، ج ۲ ، چاپ اول ، قم مرکز مدیریت حوزه علمیه

خواهران ، نصایح ، ۱۳۸۰ ، ص ۳۰۸ .

^۴ ابوالفضل ، داور پناه ، انوار العرفان فی تفسیر القرآن ، ج ۲ ، چاپ اول ، تهران ، صدر ، تابستان

۱۳۶۹ ، ص ۳۶ و ۳۷ .

1- {قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ}¹

ترجمه : بگو تمام شفاعت از آن خداست ، زیرا حاکمیت آسمانها و زمین از آن اوست سپس همه شما به سوی او از می گردید.

2- {مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ}²

ترجمه : هیچ ولی و شفاعت کننده ای برای شما جز او نیست. بدیهی است کسی حق بخشش و عفو از گنهکاران دارد و کسی می تواند شفاعت کند یا شفاعت را پذیرا گردد که خالق و مالک همه موجودات است ، در آغاز از سوی او بوجود آمدند و سرانجام به سوی او باز می گردند.

به این ترتیب در اصل صاحب شفاعت خدا است. و هیچ کس همتای او نیست ، بلکه دیگران مشروعیت شفاعت خود را از او می گیرند ، روشن است انحصار شفاعت ذاتاً و به طور استقلال در وجود خداوند ، هیچ گونه منافاتی با مشروعیت شفاعت دیگران به اذن خدا ندارد ، همان گونه که مالکیت و حاکمیت ذاتاً از آن اوست ، ولی دیگران می توانند به اذن فرمان او در محدوده ی خاصش مالک و حاکم گردند.³

برخی از آیاتی که از شفاعت دیگران با اذن خدا یاد می کنند عبارتند از :

۱- {يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا}⁴

در آن روز شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد ، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده و از گفتار او راضی باشد .

۲- {مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ}⁵

¹ سوره زمر ، آیه ۴۴ .

² سوره سجده ، آیه ۴ .

³ ناصر ، مکارم شیرازی ، پیام قرآن ، چ ۴ ، قم ، مدرسه امام امیرالمومنین ، زمستان ۱۳۷۴ ، ج ۶

، ص ۵۱۱-۵۱۲.

⁴ سوره طه ، آیه ۱۰۹

کیست که در نزد او جز به فرمان او شفاعت کند ؟

شفاعت در حشر از ضابطه و قانون کلی شفاعت کلی برخوردار است به این معنا که در آنجا شفاعت استقلالی نبوده بلکه به اذن و اجازه خداوند متعال است . یعنی اگر به شفاعت کنندگان قیامت از نگاه توحیدی بنگریم و با دیده سبب سوزی نگاه کنیم ، آنها به اذن خداوند به عنوان سبب و انتقال دهنده شفاعت ، شفیع خواهند شد.^۲

دسته چهارم از آیات شفاعت آیاتی هستند که شرایط شفاعت شوندگان را بیان می کنند، در این قسمت شافعان ، مشمولان و محرومان شفاعت را از این آیات استخراج می کنیم :

شافعان :

خداوند درباره شفاعت قرآن کریم چنین می فرماید : کسی که تابع قرآن شود خداوند بدین وسیله راه های نجات را به او نشان می دهد.

{ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ، بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ }^۳.

بنابراین هر کسی از قرآن پیروی کند و احترام آن را نگه دارد ، قرآن نیز به شفاعتش ، او را نجات می دهد.

ظاهر بعضی آیات این است که انبیای الهی گاه در صدد درخواست مغفرت برای تبه کاران خاص بوده اند و چنین درخواستی امضا شده است. نظیر آنچه درباره حضرت عیسی علیه السلام وارد شده که به خدای سبحان عرضه داشت : پروردگارا اگر تبه کاران را عذاب کنی حق توست ؛ چون تو مولایی و آنها عبد تو اند و از حقوق مولا بر عبد فراری آن است که او را تعقیب کند و به مجازات برساند و اما اگر آنان را بیمارزی تو عزیز حکیمی.

^۱ سوره بقره ، آیه ۲۵۵

^۲ محمد شجاعی ، تجسم عمل و شفاعت ، ص ۹۰

^۳ سوره مائده ، آیه ۱۶ .

{ إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرَ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ }^۱

از وعده ای که خدای سبحان به رسول مکرم داده است که او را به مقام محمود می‌رساند: { وَمِنْ أَلِيلٍ فَتَهَجَّدَ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً }^۲ بدون آن که قید و خصوصیتی برای آن مقام ذکر کند، بر می‌آید که آن حضرت از عالی‌ترین درجه شفاعت برخوردار است؛ به گونه ای که همه کس حتی شیعیان دیگر نیز از آن بهره‌مند می‌شوند.^۳

همانطوری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مقامی است والاتر از امام و اثبات شفاعت در پیغمبر، وساطت و شفاعت امام را ثابت می‌کند، به نص آیه شریفه:

{ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ } و به اتفاق مفسرین شیعه و سنی حضرت علی علیه السلام مانند نفس پیغمبر است که در آیه ی شریفه به علی بن ابیطالب علیه السلام نفس پیغمبر اطلاق شده.

دیگر این که همین آیه وسیله بودن حضرت علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها، حسن و حسین علیه السلام را هم روشن می‌کند.^۴

و فرشتگان که شفاعتشان چیزی جز استغفار آنان نیست؛ چون استغفار، خود نحوه ای از شفاعت است؛ زیرا با مغفرت الهی همراه است: { وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ }^۵.

^۱ سوره مائده، آیه ۱۱۸.

^۲ سوره اسراء، آیه ۷۹.

^۳ عبد الله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، جلد ۴ قم، مرکز نشر اسرار، چاپخانه اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.

^۴ حسن آقا اسکویی، نامه شیعیان، شرکت چاپخانه ی خراسان، {بی تا} ص ۴۹.

^۵ سوره شوری، آیه ۵.

برخی آیات دلالت دارد که مؤمنان نیز جزو شفیعانند. آن جا که خداوند دعا و طلب مغفرت آنان برای یکدیگر را نقل می کند: (وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ).^۱

و البته مؤثرترین شفیع در دنیا توبه است، زیرا نفوذ شفاعت شفیعی چون انبیا و فرشتگان تنها در غیر شرک و کفر و نفاق است و فقط شامل موحدان و مسلمانان آلوده به گناه می شود. قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

{ إِنْ أَلَّ اللَّهُ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرِكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ }.^۲

و مقصود از علما که رتبه شهیدان بعد از آنان قرار گرفته است، کسانی هستند که همسان شهدا دین را یاری کرده، با قلم و بیان خود شهید می پرورند و روح فداکاری و ایشار را در پیکر جامعه تزریق می کنند؛ عالمانی که در قیامت وزن مداد آنان از خون شهیدان وزین تر باشد، و چون واحد سنجش در آن روز «حق» است { وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ }^۳، معلوم می شود که سهم مرکب عالم واقعی از حق بودن بیش از سهم خون شهید از آن است.^۴

همان طور که از روایات بر می آید شهیدان نیز به نوبه ی خود در حق ۷۰ نفر از نزدیکان و دوست داران خود شفاعت و دستگیری خواهند نمود. چرا که خداوند به آنها اذن شفاعت داده و به واسطه ی شفاعت آنان مؤمنان گناه کار را از آتش نجات خواهد داد.

^۱ سوره حشر، آیه ۱۰.

^۲ سوره نساء، آیه ۸ و ۱۱۶.

^۳ سوره اعراف، آیه ۸.

^۴ عبد الله جوادی آملی، تسنیم، ص ۳۰۷.

گرچه شفاعت برای بسیاری از اشخاص مانند انبیا، اولیاء و شهدا و نیز برای بسیاری از حقایق، نظیر قرآن، مسجد، حرم و... ثابت شده ولی همه آنها مظهر شفاعت الهی است که طبق جمله (لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً)^۱ اصل شفاعت به طور کلی و فراگیر در اختیار خداست. بنابراین، همان طور که خداوند آخرین شفیع است، اولین شفیع نیز خواهد بود.

مشمولان شفاعت

از آیه {وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى}^۲ استفاده می شود که فقط کسی مشمول شفاعت قرار می گیرد که مرتضی و مورد رضایت باشد. مرضیّ عند الله بودن به معنای معصوم یا عادل بودن نیست، بلکه به این معناست که آن شخص مرضیّ، از دین خداپسندانه، یعنی اسلام و ایمان برخوردار و از اصحاب یمین است کسانی که کارشان بر اثر داشتن دیانت و برخی اعمال صالح با یمن و برکت آمیخته است و نامه اعمال خویش را در قیامت با دست راست می گیرند، گرچه محتمل است که از مؤمنان آلوده به گناه باشند.^۳

محرومان شفاعت

در آیاتی از قرآن، بحث از اصحاب یمین و اصحاب شمال شده و اصحاب شمال، محروم از شفاعت معرفی شده اند. در سوره واقعه می خوانیم:

{وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ * فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ * وَظِلٍّ مِّنْ يَحْمُومٍ}.^۴

^۱ سوره زمر، آیه ۴۴.

^۲ سوره انبیا، آیه ۲۸.

^۳ عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ص ۲۵۷

^۴ سوره واقعه، آیه ۴۱-۴۳.

سیمای شفاعت در روایات

یکی دیگر از ادله ای که می توان موضوع شفاعت را از طریق آن اثبات و بررسی نمود روایات می باشند که بعد از آیات کریمه قرآن می تواند در شناخت و اثبات مسائل شرعی و اسلامی مورد استناد باشد.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود :
«من در روز قیامت شفاعت می کنم و قبول می شود و علی شفاعت می کند و قبول می شود و اهل بیت من شفاعت می کند و قبول می شود و کمترین شفاعتی که مؤمن کند آن است که چهل نفر از برادران مسلمان خودش را که سزاوار آتش اند نجات بخشد.^۱

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که :

شَافِعُ الْخَلْقِ الْعَمَلُ بِالْحَقِّ وَ لُزُومُ الصَّدَقِ.^۲

شفیع مردمان ، عمل به حق است و پایبندی به صداقت و راستی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید :

چهار کسند که در قیامت شفیع آنها هستم اگر چه گناه همه اهل زمین را نزد من بیاورند :
یاری کننده ی خانواده ام ، برآورنده ی حاجت آنها وقتی بیچاره شوند ، کسی که با دل و زبان آنها را دوست دارد و کسی که از آنها به دست خود دفاع کند .^۳
پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در مورد شایسته ترین فرد به شفاعت می فرماید :

^۱ ابو علی فضل بن حسن ، طبرسی ، تفسیر مجمع البیان ، ترجمه حسین نوری و محمد مفتاح ، چاپ افست حیدری ، ص ۱۶۶.

^۲ محمد محمدی ری شهری ، میزان الحکمة ، ترجمه حمید رضا شیخی ، چاپ اول ، قم ، دارالحديث ، ۱۳۷۷ ، ص ۹۵۱۲ .

^۳ محمد بن علی ابن بابویه قمی (صدوق) ، خصال شیخ صدوق ، با ترجمه و شرح فارسی ، ترجمه محمد باقر کمره ای ، چ هفتم ، تهران ، انتشارات کتابچی ، زمستان ۱۳۷۴ ، ج ۱ و ۲ ص ۱۸۹

إِنَّ اقْرَبَكُمْ مِنِّي غَدًا وَ اَوْجِبْكُمْ عَلَى شَفَاعِهِ : اَصْدَقْكُمْ لِسَانًا ، وَ اَدَاكُمْ لِلْاَمَانَةِ وَ احْسَنْكُمْ خَلْقًا وَ اقْرَبَكُمْ مِنَ النَّاسِ.^۱

همانا نزدیکترین شما به من در فردای قیامت و سزاوارترین شما به شفاعت من ، راستگوترین ، امانت دارترین ، خوش اخلاق ترین و نزدیک ترین شما به مردم است. حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود :

به شفاعت من نمی رسد کسی که نماز خود را سبک شمارد (به شرایط و احکام نماز عمل نکند) و فرمود :

شفاعت من به گناهکاران امت من است غیر از اهل شرک و اهل ظلم و سایر اهل کفر و مذاهب باطله.^۲

به اسناد صحیح از طرق عامه روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است : شفاعت من در قیامت برای کسانی است که دارای گناهان کبیره هستند و آن کس که شفاعت مرا تکذیب نماید به آن نائل خواهد شد.^۳ امام صادق علیه السلام می فرماید :

لَوْ اَنَّ الْمَلَائِكَةَ الْمُقْرَبِينَ وَ الْاَنْبِيَاءَ الْمُرْسَلِينَ شَفَعُوا فِي نَاصِبٍ مَا شَفَعُوا حَتَّى اِذَا فَرَسْتِغَانِ مُقْرَبٍ وَ رِيسَامِ مَرْسَلٍ دَرِبَارِهِ فَرْدٍ نَاصِبِي شَفَاعَتِ كُنْتُمْ ، شَفَاعَتُهُمْ لَا يُذِيرُكُمْ شَيْئًا .^۴

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید :

لَا يَكُونُ اللَّعَانُونَ شُهَدَاءَ وَ لَا شَفَعَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

^۱ محمد محمدی ری شهری ، میزان الحکمة ، ص ۲۷۹۸ و ۲۷۹۹ ، ح ۹۵۲۱.

^۲ اعلمی دائره معارف ، ج ۱۹—۲۰ جزء دوم تهران ، ۱۳۸۸ ق ، (بی نا) ص ۷۵.

^۳ محمد تقی فلسفی ، گفتار فلسفی ، چاپ دهم ، تهران ، هیئت نشر معارف اسلامی ، افست مروی ، بی تا ، ص ۲۳۹.

^۴ احمد بن محمد بن خالد برقی ، المحاسن ، (بی جا ، بی نا ، بی تا) ج ۱ ص ۲۹۴ ح ۵۸۷.

کسانی که زیاد لعن و نفرین می کنند ، در روز قیامت نه حق گواهی دادن دارد و نه حق شفاعت .^۱

نمونه هایی از آثار و فواید شفاعت سدی در مقابل گناهان

عقیده به شفاعت سد محکمی است که از سیل بنیان کن گناهان جلوگیری می کند و آن کسی که به موضوع شفاعت اعتقاد دارد و آن را آرزو می نماید بر او لازم است که هرچه بیشتر مراقب کردار و اعمال خود بوده و از گناهان بر حذر باشد تا بتواند «ایمان» را که یکی از شرایط مهم شفاعت است در خود حفظ کند.^۲

عامل نشاط و امیدواری

با توجه به روایتی از امام علی علیه السلام که می فرماید :

«الشفیع جناح الطالب».

میانجی ، پر و بال طالب است.^۳

اعتقاد به وجود شفیع و شفاعت پدید آورنده ی امید در دل گناهان مایه ی بازگشت آنان در نیمه ی زندگی ، به سوی خدا است.^۴

^۱ محمد محمدی ری شهری، همان ، ص ۲۷۸۷ ، حدیث ۹۴۶۸

^۲ هاشم ، هاشم زاده هریسی، حقایق تحریف شده مسئله شفاعت ، دفتر نشر تعالیم اسلام ، ۱۳۶۰ ش ، بی جا ، ص ۷۴.

^۳ محمد محمدی ری شهری ، همان ، ص ۲۷۸۰ و ۲۷۸۱ ، ح ۹۴۶۵

^۴ جعفر سبحانی ، ، شفاعت در قلمرو عقل و قرآن و حدیث ، دارالکتب الاسلامیه ، چاپ اول ، اسفند

ایجاد رابطه ی معنوی با اولیاء الله

باتوجه به آن چه در تفسیر مفهوم شفاعت گفته شد این نتیجه آسان است که شفاعت منوط به وجود نوعی رابطه در میان شفیع و شفاعت شونده است رابطه ای معنوی از نظر ایمان و بعضی از صفات فاضله و انجام حسنات. مسلماً کسی که امید به شفاعت دارد. سعی می کند به نوعی این رابطه را برقرار سازد و کاری که موجب رضای آن ها است انجام دهد، پل های پشت سر را خراب نکند.^۱

یک نمونه از شبهات و پاسخ آن

شبهه ی که معمولاً در نوشته های وهابیان آمده این است که شفاعت باعث نقض غرض است، چون هدف آفرینش انسان ها عبادت است: { مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ }^۲ و انبیاء برای تبشیر و انذار و اتمام حجت آمده اند: { لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَن بَيِّنَةٍ }^۳ پس برای شفاعت نیست، زیرا شفاعت سبب جری شدن تبه کاران و هتک حرمت احکام می شود و غرض مزبور، نقض می گردد.

پاسخ:

با توجه به این که خدای سبحان نه به نحو ایجاب کلی فرمود هر گناه یا هر گنهکار با شفاعت شافعان بخشوده می شود نه خصوصیت گناهی که با شفاعت بخشوده می شود روشن فرمود و نه خصوصیت شخص یا گروهی که شفاعت می شوند معین کرد، بلکه در همه موارد یاد شده به نحو اجمال و ایجاب جزئی سخن گفت، چنین شفاعتی نه تنها سبب تجری معصیت کار نیست، بلکه امید می آورد و زمینه اصلاح امور و جبران گذشته تلخ را فراهم می سازد و همواره انسان را بین خوف و رجا نگاه می دارد.

^۱ ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۶ ص ۵۲۴

^۲ سوره ذاریات، آیه ۵۶

^۳ سوره انفال، آیه ۴۲

مرحوم ابن بابویه و دیگران از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که خدای سبحان چند چیز را در چند چیز مخفی کرده است :

۱- قهر خود را در بین معاصی مستور کرد. از این رو برانسان لازم است از همه معاصی بپرهیزد و هیچ معصیتی را کوچک نشمرد ، چون نمی داند خداوند با کدام معصیت انسان گنهکار را می گیرد . شاید مورد مؤاخذه همین گناهی باشد که او می خواهد مرتکب شود .

۲- مهر خود را در میان طاعات مخفی کرد ، یعنی معلوم نیست کدام اطاعت را قبول می کند ، از این رو چیزی از طاعت های او اعم از واجب و مستحب را نباید حقیر شمرد ، چه بسا همان موافق قبول و رضایش باشد .

۳- ولی خود را در بین انسان ها ناشناس قرار داد ، یعنی معلوم نیست ولی او کیست و در چه لباسی به سر می برد .

از این رو کسی حق ندارد دیگری را تحقیر کند ، شاید آن کس ولی خدا باشد .
۴- اجابتش را در بین دعاها مخفی کرد ، پس نباید دعایی را کوچک شمرد ، شاید همان باشد که به اجابت می رسد .^۱

شفاعت با چنین خفایی نه تنها تجری نمی آورد ، بلکه سبب امید و حرکت بنده صالح و واقع شدن او بین خوف و رجا می گردد . به ویژه وقتی در نظر بگیرد که خدای رحمان خدای قهار نیز هست و خدای «ارحم الراحمین فی موضع العفو و الرحمة»^۲ خدای « اشد المعاقبین فی موضع النکال و النقمة »^۳ نیز هست

^۱ محمد باقر مجلسی ، بحارالانوار ، چاپ تهران ، دارالکتب اسلامیه ، بی تا ، ج ۶۸ ، ص ۱۷۶

^۲ همان ، ج ۹۴ ص ۳۳۷

^۳ همان ، ج ۹۴ ص ۳۳۷

نتیجه

حقیقت شفاعت جز این نیست که رحمت گسترده خدا و مغفرت و آمرزش او از طریق اولیای الهی که حاملان فیض و وسایط رحمت هستند به افراد گنهکار که لیاقت بخشایش او را دارند برسد.

و البته پذیرفتن شفاعت، هیچ گاه بر خلاف عدالت و مصلحت نیست؛ زیرا شفاعت در ظرف استحقاق عفو و رحمت رخ می دهد، نه خارج از آن، یعنی شفاعت، آن گاه پذیرفته می شود که شایستگی آن نیز در بنده حاصل شده باشد و توسط کسانی که از طرف او اذن دارند.

فهرست منابع :

* قرآن کریم

- ۱- آقا اسکوئی ، حسن ، نامه شیعیان ، شرکت چاپخانه ی خراسان ، بی تا .
- ۲- اعلمی ، دایرة المعارف ، تهران ، ۱۳۸۸ ق ، بی نا
- ۳- برقی ، احمد بن محمد بن خالد ، المحاسن ، (بی جا ، بی نا ، بی تا) ج ۱ .
- ۴- جوادی آملی ، عبدالله ، تفسیر تسنیم ، ج ۴ ، قم مرکز نشر اسراء ، چاپخانه اسوه ، چاپ اول ، ۱۳۷۸ ش .
- ۵- داور پناه ، ابوالفضل ، انوار العرفان فی تفسیر القرآن ، ج ۲ ، چاپ اول ، تهران ، صدر ، تابستان ۱۳۶۹ .
- ۶- ربانی گلپایگانی علی ؛ ، عقاید استدلالی ، ج ۲ ، چاپ اول ، قم مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران ، نصایح ، ۱۳۸۰ .
- ۷- سبحانی ، جعفر ، شفاعت در قلمرو عقل و قرآن و حدیث ، دارا کتب اسلامیه ، تهران ، چاپ اول ۱۳۵۴ ،
- ۸- شجاعی ، محمد ، تجسم عمل و شفاعت ، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر ، تهران ۱۳۸۰ .

- ۹- شجاعی ، محمد ، مواقف حشر ، مقدمه و تدوین : محمد رضا کاشفی ، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۰- شریعتمداری ، جعفر ، شرح و تفسیر قرآن براساس تفسیر نمونه ، چاپ اول ، بی جا ، بی نا ، ۱۳۷۴ .
- ۱۱- صدوق ، محمد بن علی بن بابویه قمی ، خصال شیخ صدوق ، ترجمه محمد باقر کمره ای ، چاپ هفتم ، انتشارات کتابچی ، زمستان ۱۳۷۴ .
- ۱۲- طاهری خرم آبادی ، سید حسن ، شفاعت ، مؤسسه بوستان کتاب قم ، ۱۳۸۵ .
- ۱۳- طبرسی ، ابوعلی فضل بن حسن ، تفسیر مجمع البیان ، ترجمه ، نوری ، حسین و دکتر مفتاح ، چاپ افست حیدری {بی تا} .
- ۱۴- فلسفی ، محمد تقی ؛ گفتار فلسفی ، (آیه الکرسی پیام آسمانی توحید) ، چاپ دهم ، تهران ، هیئت نشر معارف اسلامی ، افست مروی ؛ (بی تا) .
- ۱۵- مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، چاپ تهران ، دارالکتاب اسلامی ، بی تا .
- ۱۶- محمدی ری شهری ، محمد ، میزان الحکمه ، ترجمه حمید رضا شیخی ، چاپ اول ، قم ، دارالحديث ، ۱۳۷۷ .
- ۱۷- مطهری ، مرتضی ؛ عدل الهی ، چاپ هشتم ، تهران ، صدرا ، بهار ۱۳۷۴ .
- ۱۸- مکارم شیرازی ، ناصر با سایر همکاران ، پیام قرآن ، چاپ چهارم ، قم ، مدرسه امام امیرالمؤمنین ، زمستان ۱۳۷۴ .
- ۱۹- ناصری ، علی اکبر ، امامت و شفاعت ، چاپ اول ، (بی جا ، بی نا) شهریور ۱۳۵۱ .
- ۲۰- هاشم زاده هریسی ، هاشم ، حقایق تحریف شده مسئله شفاعت ، دفتر نشر تعالیم اسلام ، ۱۳۶۰ ش ، {بی جا} .